

## دیوی به نام حرص و آز

تقابل دو نیروی خیر و شر موضوعی است که از روزگاران کهن ذهن اغلب شاعران و نویسندگان را به خود معطوف کرده است.

تقابا، ده نده، خده شمهضعه، است که از هونگان، کهن، ذهن، اغلب شاعران، ه نمسندگان، با به خمد معطف کده است. در این میان فردوسی از معدود شاعرانی است که سعی کرده با پاسداشت زبان فارسی و وفاداری به حکمت باستان ایرانیان پیروزی، خیر بر شر را در اشعار خود توصیف کند. در این راه، او دیوان را نماد بدی و شر دانسته و اشخاصی همانند رستم و اسفندیار را نماد خیر و خوبی. در واقع فردوسی در به نظم درآوردن شاهنامه تلاش کرده تشابهات دو دین اسلام و زرتشت را در آنچه خیر و آنچه شر می دانند، نشان دهد. دیوها به دو صورت انسانی و رذائل اخلاقی در شاهنامه به تصویر کشیده شده اند، اما پیش از پرداختن به آنها ابتدا به معنای دیو پرداخته می شود.

### معنای دیو نزد ایرانیان باستان

در لغت نامه دهخدا این کلمه همردیف شیطان و ابلیس و اهریمن ذکر شده است و در اوستا به صورت دَئَو و در پهلوی دَو و در فارسی دیو گفته می شود. معنای آن در اوستا موجودی زنده و نامرئی همانند اجنه است که از اهریمن به وجود می آید (وندیداد اوستا، 33، 1382) و انسان ها را به بدی و کارهای ناشایست وا می دارد. این موجود همانند ابلیس انسان ها را به بدی فرمان می دهد و باعث به وجود آوردن رذائل اخلاقی در انسان می شود. دیوهایی که در شاهنامه صورت انسانی به خود گرفته اند:

در شاهنامه دیوها که نماد بدی هستند، شکل ها و معانی خاص به خود می گیرند و نام های مختلفی دارند. رستم که نماد خیر است، با دیوهای زیادی نبرد می کند و در اغلب مبارزه های خود پیروز از میدان بیرون می آید. برخی از این دیوها در برابر رستم به شکل و هیات انسان ظاهر می گردند که از آن جمله می توان از ارژنگ دیو نام برد که یکی از دیوهای مازندران است و رستم در خوان ششم با او روبه رو می شود و او را از پای درمی آورد: نه ارژنگ ماندم نه دیو سپید / نه سنجه نه اولاد غندی نه بید

بید، نام دیو دیگری در شاهنامه است که به دست رستم کشته می شود. (اسلامی ندوشن، 268، 278، 282، 1380) سنجه نیز یکی دیگر از دیوهای مازندران است که در یکی از سفرهای رستم کشته می شود. اکوان دیو نیز که یکی از معروف ترین دیوهای شاهنامه است از رستم شکست می خورد. او دیوی است که خود را به هیات گورخری می سازد و هنگامی که رستم به خواب می رود، او را به دریا می اندازد ولی بعد به دست رستم کشته می شود:

نخسبیده بُد رستم پهلوان / که اکوان دیو اندر آمد دمان

و دیو سپید بزرگ ترین دیو مازندران است که رستم در خوان هفتم او را می کشد:

گرفتم کمر بند دیو سپید / زدم بر زمین همچو یک شاخ بید

### دیوهایی که در شاهنامه نمادی برای رذائل اخلاقی هستند

بجز این دیوها که صورتی انسانی داشته اند و پلید و زاییده اهریمن اند، در شاهنامه از دیو های دیگری نیز سخن به میان آمده که در نقش صفات مذموم انسانی خودنمایی می کنند. از آن میان می توان دیو آز، دیو نیاز، دیو خشم، دیو رشک، دیو شهوت، دیو کین، دیو دروغ، دیو تهمت و دیو بدعت را نام برد. از میان تمام این دیوها دیو آز از همه شوم تر و بدتر است.

فردوسی در به نظم در آوردن شاهنامه تلاش کرده تا تشابهات دو دین اسلام و زرتشت را در آنچه خیر و آنچه شر می دانند نشان دهد

این دیو در شاهنامه نتیجه گناهان و انگیزه افزون طلبی و زیاده خواهی است. (شجری، 66، 76، 1382) این دیو شر محض است و پایه و اساس بسیاری از خونریزی ها، بدبختی ها و ددمنشی هاست. در اوستا درباره این دیو چنین آمده است «آز دیو آن است که هر چیز را بیوبارد و چون نیاز را چیزی نرسد، از تن خورد. او آن دروجی است که چون همه خواسته گیتی را بدو دهند انباشته نشود و سیر نگردهد.» (مهرداد بهار، 168، 1393) این دیو در بین ایرانیان مسلمان به صورت صفات مذموم کینه و حسادت نیز تبدیل شده است. رستم نیز از شر این دیو در امان نیست؛ به طوری که خود استاد طوس ناتوانی رستم در شناخت فرزند خویش، سهراب را نتیجه پیروزی آزمندی بر رستم می داند:

ندانم همی مردم از رنج و آز / یکی دشمنی را ز فرزند باز

### دیوهای درون ما

نکته فوق می تواند پاسخگوی این پرسش معماگونه باشد که چرا رستم با آن همه جوانمردی قاتل فرزند خود است. پایداری در برابر این دیو کاری است که فقط از انسان هایی برمی آید که بر نفس خود پیروز گشته اند و رذائل اخلاقی خود را به فضائل

اخلاقی بدل کرده اند. مبارزه چنین کسانی با این دیو به نوعی مبارزه انسان با نفس اماره خویش و بدل کردن آن به نفس مطمئنه است. از این رو می توان ستیز رستم با دیوان را مبارزه بین انسان و رذائل و صفات نفسانی مذموم دانست. پس در اینجا می توان به قرابت بین توصیف فردوسی از دیو آز و سخنان قرآن و بزرگان دین از جمله پیامبر درباره حرص و آز پی برد. پیامبر و ائمه همواره انسان را از حرص و آز باز داشته اند و درباره آن احادیث فراوانی گفته اند. پیامبر درباره حرص می فرماید: «از حرص بپرهیزید که پیشینیان شما در نتیجه حرص هلاک شدند، حرص آنها را به بخل وادار کرد و بخیل شدند. به قطع رحم وادار کرد و قطع رابطه کردند با خویشاوندان. به بدی وادارشان کرد و بدکار شدند.» امام باقر در این باره فرموده اند: «مثل حریص به دنیا، مثل کرم ابریشم است که هر چه بیشتر دور خود بیافد خارج شدن از پیله بر او سخت تر می شود تا آن که از غصه می میرد.» بنابراین وقتی در اوستا آمده است که دیو آز همه چیز اطراف خود را می بلعد و وقتی چیز دیگری پیدا نکرد، شروع به خوردن خود می کند، اشاره به این حدیث حضرت علی دارد که می فرماید: «چه بسا حریصی که آزمندی او را از پای در آورد.»

#### نتیجه

دیوها در شاهنامه موجودات پلیدی شناخته شده اند که انسان ها را به کارهای ناپسند وامی دارند. این دیوها به دو شکل در شاهنامه حضور پیدا می کنند؛ گاه صفات اخلاقی مذموم هستند، همانند دیو آز و گاه هیات انسان به خود می گیرند، مانند اکوان دیو. فردوسی در مقام یک مسلمان واقعی توانست تشابهات دین اسلام و زرتشت را دریابد و با تلقیق اسطوره های ایرانی و احادیث اسلامی حکمت ایران باستان را زنده نگه دارد. به همین دلیل اسلام نزد ایرانیان توفیقی روزافزون یافت و در سایه آن شاعرانی رشد کردند که توانستند فضائل اخلاقی مشترک این دو دین را با اشعار خود گسترش دهند.

#### منابع:

- نام ورنامه، عبدالحسین زرین کوب، انتشارات سخن، سال نشر 1383
- تاریخ ادبیات ایران، ذبیح الله صفا، انتشارات ققنوس، سال نشر 1373
- رستم و اسفندیار در شاهنامه، محمدعلی اسلامی ندوشن، نشر آثار، سال نشر 1380
- پژوهشی در اساطیر ایران، مهرداد بهار، نشر آگه، سال نشر 1375
- اوستا وندیداد، تألیف جیمز دار مستتر، مترجم موسی جوان، ناشر دنیای کتاب، سال نشر 1384
- تحلیل و بررسی عنصر آز در شاهنامه، رضا شجری، فصلنامه پژوهش های ادبی، شماره 1، تابستان 1382

زهرا شهرام بخت

جام جم